

بررسی ترجمه کتب پزشکی در دوره قاجار (۱۱۷۵-۱۳۰۴ شمسی): یکی از عوامل

انتقال طب جدید به ایران^۱

مژگان غفاری^۲ و افسانه محمدی شاهرخ^۳

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی اجمالی تاریخ پزشکی در دوران قاجار با تمرکز بر ترجمه کتب پزشکی در این دوران است. در این پژوهش با روش بررسی تاریخی (مدل تاریخ-نگاری پیم ۱۹۹۸) و تحلیل داده‌ها مشخص شد که در زمان قاجار در ابتدا روش معمول درمان به صورت طب سنتی بوده است که تحت تأثیر نهضت تجددخواهی و نیز عواملی از جمله تأسیس مراکز علمی مانند دارالفنون، اعزام دانشجویان به خارج و به‌کارگیری استادان خارجی، به تدریج جای خود را به روش‌های مدرن داد و آموزش و تحصیل پزشکی نوین معمول شد. علاوه بر این به نظر می‌رسد ترجمه یکی از مهم‌ترین روش‌های انتقال علم پزشکی نوین است. بررسی موضوعی انجام‌شده روی کتب ترجمه‌شده در این حوزه نشان می‌دهد که در زمان قاجار حدود ۴۴۶ کتاب در درجه اول از زبان‌های عربی، سپس فرانسوی، لاتین، هندی و انگلیسی در ۱۹ موضوع پزشکی ترجمه شده است. بررسی موضوعی این کتاب‌ها نشان می‌دهد که حوزه بیماری‌های داخلی با ۱۰۰ عنوان بیشترین بسامد را دارد و پس از آن طب سنتی با ۸۶ عنوان در مقام دوم قرار دارد، بعد از آن به ترتیب حوزه‌های داروشناسی، تشریح اندام‌ها و جراحی، بیماری‌های عفونی، گیاهان دارویی، بیماری‌های آمیزشی، زنان و مامایی، آسیب‌شناسی و چشم-پزشکی قرار دارد. همچنین زبان مقصد ترجمه این کتاب‌ها بیشتر فارسی، سپس عربی، اردو و ترکی بوده است.

واژه‌های راهنما: ترجمه، دوره قاجار، علم پزشکی، کتب پزشکی

۱. این مقاله در تاریخ ۱۴۰۱/۰۱/۱۰ دریافت شد و در تاریخ ۱۴۰۱/۰۳/۰۱ به تصویب رسید.
۲. دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه انگلیسی، دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی، دانشگاه آزاد اسلامی، علوم و تحقیقات تهران، ایران؛ پست الکترونیک: mozhgan.ghafari@yahoo.com
۳. نویسنده مسئول: استادیار مطالعات ترجمه، گروه انگلیسی، دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی، دانشگاه آزاد اسلامی، علوم و تحقیقات تهران، ایران؛ پست الکترونیک: af.shahrokh@gmail.com

۱. مقدمه

با تأملی اجمالی در تاریخ پزشکی ایران درمی‌یابیم که عواملی بازدارنده و یا محرک منجر به فرازونشیب‌هایی در پرداختن به علوم مختلف خصوصاً علم پزشکی در قالب تألیف و ترجمه شده است. با بررسی تاریخ ترجمه، به عللی برمی‌خوریم که در برخی برهه‌ها موجبات عدم انتقال دانش طب از طریق ترجمه را فراهم کرده و یا بالعکس، باعث رشد و گسترش آن شده است. برای مثال در تاریخ اسلام با وجود توصیه‌های مکرر قرآن و پیامبر (ص) به علم‌آموزی، چند عامل در نخستین دهه‌های پس از رحلت پیامبر اکرم (ص)، گسترش علوم را دشوار می‌کرد. نخست آنکه مکتوب کردن دانسته‌ها و باورها در فرهنگ آن روزگار چندان معمول نبود (هاشمی، مدخل ترجمه دانشنامه جهان اسلام، ۱۳۸۲، ص. ۲۶). «عربها «سَماع» را موثق‌ترین طریق در روایت شعر، لغت و خبر می‌دانستند و در وثاقت نوشته‌ها تردید داشتند مگر آنکه محتوای آنها را از استادی می‌شنیدند حتی علم طب با همه ضرورتش مجال رایج شدن به صورت دانشی انسجام‌یافته و مکتوب پیدا نمی‌کرد» (هاشمی، مدخل ترجمه دانشنامه جهان اسلام، ۱۳۸۲، ص. ۲۶). در برهه‌ای دیگر دانشمندان و علما، عامل اصلی رونق و پیشرفت نهضت ترجمه بودند. «این گروه مستقل از حکومت، حامیان جدّی ترجمه بودند، بی‌دلیل نیست اگر ادعا کنیم که مترجمان چیره‌دستی در ریاضیات و نجوم و علم‌الحیل و طب از سرآمدان قرن سوم بودند» (ابن ندیم، ۱۳۵۰، به نقل از دانشنامه جهان اسلام، ۱۳۸۲، ص. ۳۱). در کنار این، نیاز صاحبان حکومت به علمی چون پزشکی، برای گریز از درد و رنج بیماری، به تحقیق و علم‌اندوزی علم پزشکی ارج می‌نهادند و به تبع آن اهل علم را در تألیف و ترجمه متون پزشکی حامی بودند (جان‌احمدی، ۱۳۷۹، ص. ۸۶).

بررسی ترجمه کتب پزشکی در دوره قاجار . . . ۹۹

با تمرکز بر ترجمه متون طبی بنظر می‌رسد که تحولات در زمینه پزشکی در ایران مقارن با عصر قاجار است، چرا که در این دوران، طب سنتی به تدریج جای خود را به پزشکی نوین داد. در نتیجه، جامعه پزشکی نیاز به آثار و کتاب‌های به روز داشت و این مهم تنها از طریق ترجمه میسر بود. عواملی مثل کارا نبودن طب سنتی و ظهور تجدد و تأسیس دارالفنون، جامعه علمی را به همگامی با تکنولوژی‌های رایج در کشورهای مدرن و فراگیری و انتقال علوم جدید از طریق ترجمه متون علمی، سوق داد. (هاشمی، مدخل ترجمه دانشنامه جهان اسلام، ۱۳۸۲، صص. ۵۱-۵۷) در مقاله حاضر برآنیم با نگاهی تاریخی، جنبه‌های مختلف انتقال و واردات علم پزشکی جدید از طریق ترجمه را بررسی و مشخصات کتب ترجمه‌شده در حوزه پزشکی در زمان قاجار را بررسی و در قالب نمودار و جدول عرضه و تحلیل کنیم.

۲. پیشینه پژوهش

از آنجایی که پژوهشی خاصه «ترجمه متون پزشکی در محدوده دوره قاجار» یافت نشد. لذا در این قسمت به معدود پژوهش‌هایی که از لحاظ روش پژوهش و نگاه تاریخی به علم پزشکی و مقوله ترجمه، مشابه مقاله حاضر می‌باشد اشاره شده است.

منزوی (۱۳۸۱)، در پنجمین جلد از مجموعه «فهرستواره کتاب‌های فارسی» مبادرت به معرفی کتاب‌های مربوط به علم پزشکی، داروسازی، علوم طبیعی (جانورشناسی، گیاهشناسی، معدن‌شناسی) و کیمیا کرده است. در بین آنها برخی منابع ترجمه‌ای هم به چشم می‌خورد. اما فهرستواره مذکور فاقد هرگونه بررسی تاریخی، تحلیل، دسته‌بندی و رده‌بندی موضوعی امراض موجود در کتاب‌های ترجمه‌شده پزشکی است.

روستایی (۱۳۸۲)، در کتاب *تاریخ طب و طبابت در ایران* (از عهد قاجار تا پایان عصر رضاشاه به روایت اسناد: شرح حال طبیبان نامدار و ناشناخته ایران)، تاریخ پزشکی ایران در دوره قاجاریه را بررسی کرده است. سپس به شرح حال ۱۹۱ تن از طبیبان و پزشکان نامدار عهد قاجار پرداخته است. با این که اکثر مترجمان کتب پزشکی، طبیب هستند، در این کتاب به فعالیت‌های ترجمه‌ای پزشکان اشاره‌ای نشده است.

فلور (۱۳۸۷)، در کتاب *سلامت مردم در ایران قاجار* با بررسی وضعیت عمومی سلامت و بهداشت در عصر قاجار در خصوص انواع طبیبان و تنوع و محدوده عملکرد آنها بحث کرده است اما به کارهای ترجمه‌ای آنها اشاره نشده است.

الگود (۱۳۸۷)، در کتاب خود با عنوان *تاریخ پزشکی ایران و سرزمین‌های خلافت شرقی*، تحولات پزشکی ایران در دوره قاجار را مورد توجه قرار داده است و به تلاش‌هایی که در عصر قاجار برای بهبود وضعیت پزشکی و بهداشت ایرانیان صورت می‌گرفت، اشاره کرده است.

حاتمی (۱۳۹۲)، در مقاله‌ای با عنوان «راه‌های عامیانه پیشگیری و درمان وبا در دوره قاجاریه» به‌طور تخصصی وضعیت پزشکی، بهداشت و سلامت جامعه ایران در عصر قاجار تا قبل از تأسیس دارالفنون را بررسی کرده و فقط روی یک بیماری خاص (وبا) متمرکز شده است.

آذرننگ (۱۳۹۴)، در کتاب *تاریخ ترجمه در ایران از قدیم تا پایان قاجار* دیدگاه روشنی از سیر تحول ترجمه در ایران از دوران باستان تا پایان قاجار ارائه داده است. در این پژوهش، آغاز ترجمه در ایران، در دوران پیش از مادها است، به این معنا که از زمان ابداع خط در ایران باستان، ترجمه نیز به‌عنوان نیاز اساسی بشر برای ارتباط با اقوام مختلف مورد توجه قرار گرفته است، ضمن

بررسی ترجمه کتب پزشکی در دوره قاجار . . . ۱۰۱

اینکه به چند کتاب ترجمه شده در زمینه پزشکی با ذکر نام مترجمین آنها اشاره کرده است. ولی به طور خاص به ترجمه متون پزشکی توجه ویژه نداشته است.

با توجه به همسانی زمانی، بخش‌هایی از مطالب این پیشینه‌ها در ادبیات تحقیق حاضر مورد استفاده قرار گرفته است و از لحاظ همسانی موضوعی، پژوهش حاضر که خاصه ترجمه متون پزشکی در عصر قاجار است، می‌تواند مکمل پژوهش‌های پیشین باشد.

۳. روش‌شناسی

روش پژوهش حاضر بررسی تاریخی بوده و اصول و چارچوب تحقیق براساس نظریه تاریخ‌نگاری ترجمه با رویکرد پیم است. به اعتقاد پیم (۱۹۹۲) متونی که درباره تاریخ ترجمه نوشته شده کمتر درباره تاریخ‌نگاری است و به جای پرداختن به نقش فعال ترجمه و مترجمان فقط نوعی نقد تاریخی و روایت‌گری است. وی در کتاب «روش در تاریخ ترجمه» ۱۹۹۸ سه بخش تاریخ ترجمه را فهرست‌نگاری، نقد تاریخی و تبیین می‌داند که در بخش فهرست‌نگاری با جمع‌آوری اطلاعات درباره متون ترجمه شده به سوالات چه کسی، چه متنی را، در چه زمان و مکانی ترجمه کرده است، پاسخ داده می‌شود اما در قسمت نقد، محقق با واکاوی در بین متون بدنبال پاسخ به این سوال است که چطور این ترجمه انجام شده است و در بخش تبیین هم علت انتخاب این متن برای ترجمه و تأثیرات آن در بافت هدف بررسی می‌شود. از آنجا که بخشی از این تحقیق فهرست‌نگاری است، مطابق مدل پیم گردآوری اطلاعات درباره متون ترجمه شده، اسامی مترجمان، زمان و مکان ترجمه از کتاب‌شناسی‌ها، کتابخانه‌ها انجام شده است.

۴. گردآوری اطلاعات و نوع جامعه آماری

اطلاعات کتابشناختی (اعم از زبان مبدأ و مقصد منابع ترجمه شده، نام نویسندگان و مترجمان و موضوع کتب) از کتابشناسی‌های مرتبط و فهرست نسخه‌های خطی و همچنین از بانک اطلاعات کتابخانه‌های ملی، مجلس شورای اسلامی، آستان قدس رضوی و آیت‌ا. مرعشی نجفی، کتابخانه ملی گرجستان و کتابخانه ملک اخذ شده است. از آنجایی که یکی از مؤلفان مقاله حاضر دارای تخصص در زمینه پزشکی است لذا در موضوع بندی کتب (جامعه آماری) و تعیین امراض و بیماری‌های مورد بررسی در آنها، از دانش خود استفاده کرده است. جامعه آماری این پژوهش دربرگیرنده کلیه کتب ترجمه شده (اعم از نسخ خطی، کتب چاپ سنگی و چاپ سربی) در حوزه پزشکی و در محدوده زمانی دوران قاجار (۱۱۷۵-۱۳۰۴ شمسی) است.

۵. سؤالات پژوهش

۱. علل روی آوردن به ترجمه در انتقال طب جدید به ایران در زمان قاجار، چه مواردی بوده است؟
۲. کتب ترجمه‌ای در حوزه پزشکی در زمان قاجار از لحاظ موضوعی به چه امراض یا بیماری‌هایی پرداخته است؟
۳. زبان مبدأ و زبان مقصد در ترجمه کتب پزشکی و کمیت آنها در زمان قاجار به چه صورت بوده است؟

۶. وضعیت پزشکی ایران در عصر قاجار

در دوره قاجار تا قبل از تأسیس دارالفنون، شیوه پزشکی سنتی در امر بهداشت و سلامت مردم حاکم بود. برای تحصیل طب مکتب خاصی وجود نداشت و هرکس بدون مانع می‌توانست پس از کسب اطلاعات مختصر در طب، خود را پزشک نامیده و به درمان بیماران مشغول شود (ذهابی، شهیدانی، کرملی، ۱۳۹۸، ص. ۳۵). «شیوه‌های درمان و تجویز دارو در عمده مناطق ایران

بررسی ترجمه کتب پزشکی در دوره قاجار . . . ۱۰۳

اغلب بر اساس تجربه و طب سنتی بوده است. در این دوران وضعیت نامناسب بهداشتی جامعه و عدم توجه مردم به رعایت اصول بهداشتی، منجر به شیوع بیماری‌های خطرناک و همه‌گیری در میان آنان می‌گشت. از آنجا که شیوه غالب طبابت در جامعه عصر قاجار، طب سنتی بود، طبیبان بر اساس روش‌های سنتی چون امزاج چهارگانه، استفاده از داروهای گیاهی و جوشانده‌ها، حجامت‌کردن، گرفتن نبض، داغ کردن و... به معاینه و درمان بیماران می‌پرداختند» (ذهابی، شهیدانی، کرمعلی، ۱۳۹۸، ص. ۳۸). به نظر می‌رسد عواملی از جمله طبابت سنت‌گرا، بروز بیماری‌های همه‌گیر، ظهور پزشکی نوین در غرب و تجددطلبی جامعه در دوران قاجار، منجر به رجوع جامعه علمی به متون جدید پزشکی و ترجمه آنها شد. چراکه اگر علم و دانش در حوزه‌ای خاص در سرزمینی نهادینه نشده‌باشد، به تبع آن تجربیات و پژوهش‌های علمی نیز حادث نمی‌شود. در این حالت یکی از اقدامات مؤثر برای بهره‌مندی از دانش و پژوهش‌های دیگران، ترجمه آثار علمی آنان است.

ترجمه متون تخصصی را می‌توان سرآغاز مرحله جدیدی در تاریخ پزشکی ایران به حساب آورد، چراکه مواجهه طب سنتی ایرانی با شیوه‌های پزشکی نوین غربی در این دوره، موجب بروز تغییراتی گسترده در روند پیشین آن شد. نخستین تلاش‌های جدی برای به کارگیری اندیشه‌های جدید غربی در ایران، در عهد فتحعلی‌شاه (۱۲۱۲-۱۲۵۰ شمسی) آغاز شد (دانش پژوه، ۱۳۶۰، ص. ۸۸). در دوره فتحعلی‌شاه که از یک سو فرستادگان کشورهای اروپایی به خصوص فرانسه بیش از گذشته به دربار ایران آمد و شد داشتند و از سوی دیگر، سپاه ایران به‌رغم کوشش بسیار در جنگ‌های مرزی با روسیه ناکام مانده‌بود، رفته‌رفته برخی دولتمردان به بی‌سامانی اوضاع و عقب‌ماندگی ایران پی‌بردند و درصدد چاره‌جویی برآمدند (ناطق، ۱۹۸۸، ص. ۱۳۷؛ آبراهامیان، ۱۳۷۷، ص. ۶۸). عباس‌میرزا، نایب‌السلطنه و سردار سپاه ایران، و وزیرش قائم‌مقام با اصلاح سپاه و ترجمه آثار فرانسوی در باب لشکرآرایی و توپخانه، گام اول را به‌سوی مدنیت غربی برداشتند

(ناطق، ۱۹۸۸، ص. ۱۳۷؛ آبراهامیان، ۱۳۷۷، ص. ۶۸). ترجمه‌های اولیه را مستشاران و هیئت‌های نظامی فرانسوی و انگلیسی، تاجران و مبلغان مذهبی اروپایی و ارمنی، محصلان و گروه‌های ایرانی بازگشته از اروپا و هندوستان و عثمانی، انجام می‌دادند (اقبال آشتیانی، بی.تا، ص. ۱۰۹).

تا پیش از ورود دانش پزشکی جدید غربی به ایران توسط معلمان دارالفنون، نخستین آشنایی با پزشکی غربی از طریق ترجمه کتاب *کیمیاء باسیلیقا* که زین‌العابدین مشهدی در ۱۲۰۶ شمسی از ترکی به فارسی ترجمه کرده بود، صورت گرفت (کیان‌فر، ۱۳۷۷، ص. ۲۴). نخستین آثار علمی نیز در همان ایام به فارسی ترجمه شد. در پزشکی جدید، میرزامحمدبن عبدالصبور خوبی *تعلیم‌نامه در اعمال آبله زدن*، نوشته کرمیک (پزشک عباس میرزا)، را از انگلیسی ترجمه کرد که در ۱۲۴۵ شمسی در باسمة‌خانه دارالسلطنه تبریز چاپ شد (بابازاده، ۱۳۷۸، ص. ۹۰). این ترجمه بعدها در زمان صدارت امیرکبیر دوباره چاپ شد و لذا نخستین کتاب تجدید چاپ شده در ایران است (کیان‌فر، ۱۳۷۷، ص. ۲۴). اعزام دانشجو به اروپا از ابتکارات عباس‌میرزا بود که در دوره‌های بعدی نیز کمابیش ادامه یافت و به تبع آن ترجمه آثار اروپایی انجام شد (انوار، ۱۳۵۸، ص. ۷۵).

در دوره ناصرالدین شاه با تأسیس «دستگاه مترجمان دولتی» و دارالفنون و دارالترجمه ناصری، ترجمه آثار اروپایی برای نخستین بار سامان یافت. گسترش مناسبات با دولت‌های خارجی، امیرکبیر را به استخدام و مترجم واداشت. او در دستگاه مترجمان دولتی، برخی از فرنگیان و ایرانیان مسیحی و تحصیل‌کردگان مسلمان را به کارگماشت (آدمیت، ۱۳۵۴، ص. ۳۷۹). در این دوران اکثر کتب ترجمه شده به ناصرالدین شاه اهدا می‌شد و در کل ترجمه کتاب تأثیر فراگیری در دگرگونی افکار اجتماعی داشت بطوری که برخی مترجمان، بهترین وسیله نشر فرهنگ جدید را ترجمه می‌دانستند. شایان ذکر است ذوق و سلیقه ناصرالدین شاه در انتخاب موضوع کتاب‌ها برای ترجمه دخیل بود (هاشمی، مدخل ترجمه دانشنامه جهان اسلام، ۱۳۸۲، ص. ۵۴). در این زمان

بررسی ترجمه کتب پزشکی در دوره قاجار . . . ۱۰۵

تغییرات عمیقی در آموزش پزشکی روی داد و با ورود پزشکی اروپایی در مقیاسی گسترده و به-کارگیری آنها در دارالفنون، بسیاری از متن‌های اروپایی به عربی و فارسی ترجمه شد (قاسملو، مدخل پزشکی دانشنامه جهان اسلام، ۱۳۷۹، ص. ۶۱۷). با توجه به داده‌های تحقیق، به نظر می‌رسد بیشترین حجم ترجمه در عصر قاجار، مربوط به عصر ناصرالدین‌شاه و تحت تأثیر تأسیس دارالفنون است.

در جدول ۱ فهرست موضوعی کتب ترجمه‌شده در زمان پادشاهی ناصرالدین‌شاه از دوران عباس میرزا تا انقلاب مشروطه نشان داده شده است. طبق این جدول، در عصر ناصری کلاً ۳۲۳ کتاب ترجمه شده است که از این تعداد ۱۴ عنوان، معادل ۴/۳ درصد مربوط به علم پزشکی است و مابقی مربوط به علوم دیگر. (انوار، ۱۳۵۸، ص. ۷۵).

جدول ۱. فهرست موضوعی کتب ترجمه‌شده در عصر ناصری (انوار، ۱۳۵۸، ص. ۷۶).

ردیف	موضوع کتاب	تعداد (عنوان)	درصد
۱	سفرنامه	۸۷	۲۷
۲	باستانشناسی و تاریخ	۷۶	۲۳
۳	داستان و رمان	۲۶	۸
۴	جغرافیا	۲۳	۷
۵	علوم و فنون	۲۲	۷
۶	علوم نظامی	۲۰	۶
۷	حقوق و سیاست	۱۶	۵
۸	سرگذشتنامه	۱۵	۴/۵
۹	پزشکی	۱۴	۴/۳
۱۰	فرهنگ و لغتنامه	۱۴	۴/۳
۱۱	فلسفه و علوم اجتماعی	۶	۱/۸
۱۲	سایر علوم	۴	۱/۲
	جمع	۳۲۳	۱۰۰

۷. نقش دارالفنون در رواج ترجمه آثار پزشکی

پزشکان ایرانی که با متون کهن و غربی آشنایی داشتند سهم بسزایی در رشد و ترویج علم پزشکی داشتند. از تاثیرات مثبت مدرسه دارالفنون و دیگر مدارس پزشکی، آن بود که منجر به تالیفات و ترجمه‌های فراوان در علوم گوناگون خصوصاً حوزه پزشکی شد. در واقع توجه به علم و دانش در دوره قاجار رو به رشد بود و در اواخر دوره ناصرالدین شاه شدت بیشتری پیدا کرد. در دوره قاجار آثار علمی نویسندگان خارجی توسط شاگردان دارالفنون ترجمه شد. این آثار را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: برخی از این آثار همان دروس اساتید خارجی در مدرسه دارالفنون بود و برخی نیز ترجمه کتاب‌های منتشر شده در اروپا و امروزه نسخه‌های خطی آن در کتابخانه‌های ایران موجود است، مثلاً ترجمه نسخه *امراض دماغی* از دکتر محمد حسین پروس که در ۱۲۴۹ شمسی به دستور ناصرالدین شاه به فارسی ترجمه شد (زندیه، احمدی رهبریان، خان احمدی ۱۳۹۶، ص. ۲۸). از مهم‌ترین مترجمانی که آثار خارجی را ترجمه کردند می‌توان به میرزا علیرضا، میرزا محمود بن محمد هاشم، محمد تقی طبیب کاشانی، خلیل بن حاجی میرزا عبدالباقی و میرمحمد تقی کاشانی اشاره کرد که کتاب‌هایشان عمدتاً در موضوعات پاتولوژی، چشم‌پزشکی، سموم و گردش خون بود (زندیه، احمدی رهبریان، خان احمدی ۱۳۹۶، ص. ۳۰).

رشد علم پزشکی در اروپا و تاثیر آن در ایران به دلیل حضور پزشکان خارجی در ایران از یک سو و از سویی دیگر اهمیت مباحث جمعیتی و بهداشتی در نزد دولتمردان بود. این عوامل علم طب در دوره ناصرالدین شاه را متحول کرد؛ در واقع حضور پزشکان خارجی در دربار ایران به نوعی نشان‌دهنده جایگاه مهم علم پزشکی در حکومت ایران بود. طبیبان ایرانی نیز مورد توجه حکومت بودند و در امور نظامی و دیوانی به خدمت گرفته می‌شدند (زندیه، احمدی رهبریان، خان احمدی ۱۳۹۶، ص. ۳۲). تلاش‌های حکومت در رشد آموزشی پزشکی مؤثر بود به طوری که اعزام محصلین به اروپا، تأسیس مدرسه دارالفنون و استخدام معلمان خارجی و چاپ و نشر کتب

بررسی ترجمه کتب پزشکی در دوره قاجار . . . ۱۰۷

قدیمی و جدید طبی و پرداختن روزنامه‌ها به مسائل درمانی و بهداشتی، جایگاه علمی این دوره را نسبت به گذشته متمایز کرد. مباحث پزشکی در این دوره رو به رشد و بالندگی بود. روش‌های درمانی طبیبان ایرانی عمدتاً بالینی و سنتی بود و در امور دفع سموم و امراض آبله و طاعون تبحر داشتند. در این رابطه آثار فراوانی تالیف و ترجمه کردند که برخی از آنها خلاصه متون قدیمی و یا تجربیات شخصی و یا ترجمه متون آموزشی نویسندگان غربی بود (زندیه، احمدی رهبریان، خان احمدی، ۱۳۹۶، ص. ۳۵).

در ۱۲۶۷ ش. یک شعبه پزشکی در دارالفنون تهران دایر شد که در آن استادان فرانسوی، اتریشی و ایتالیایی به زبان فرانسه درس می‌دادند. با وجود این، تکرر شیوه‌های پزشکی تا به امروز باقی است و روش‌های سنتی و عامیانه و رساله‌های مبتنی بر «طبّ نبوی» هنوز بخشی از طیف خدمات درمانی را تشکیل می‌دهد (قاسملو، مدخل پزشکی دانشنامه جهان اسلام، ۱۳۷۹، ص. ۶۱۷). در دارالفنون چندین کتاب پزشکی به فارسی ترجمه شد، از جمله چند کتاب از پولاک، مثلاً رساله علاج الاسقام، چند کتاب از شلیمر، از جمله پاتولوژی و ادویه و نسخه‌جات درباره داروهای گیاهی و بدایع الحکمه ناصری از طولوزان پزشک فرانسوی. مصادف با همین زمان، بسیاری از کتاب‌های پزشکی اسلامی، تصحیح و به چاپ رسید (محقق، ۱۳۶۹، صص. ۷۳-۷۵).

۸. طبقه‌بندی حوزه‌های پزشکی متون ترجمه شده

پس از رجوع به کتابشناسی‌ها و مراجع مختلف و گردآوری فهرست کتاب‌های ترجمه شده در حوزه پزشکی در عصر قاجار، این آثار بصورت دقیق‌تر در کتابخانه‌های مختلف بررسی شد از آنجا که بسیاری از این کتاب‌ها نسخه خطی یا چاپ سنگی هستند با مراجعه به کتابخانه‌ها فقط توانستیم تصویر آنها را بررسی و با مطالعه مقدمه و موخره (آغاز و انجام نسخ خطی)، کتاب‌ها بر حسب موضوع و نوع بیماری‌ها موضوع بندی کنیم. لازم به ذکر است که اطلاعات کاملی درباره برخی از کتب مذکور نیافتیم. جدول ۲، آثار ترجمه شده در حوزه پزشکی را به تفکیک تخصص و

موضوع ارایه می‌دهد.

جدول ۲. موضوع و نوع بیماری‌های پرداخته‌شده در کتب پزشکی ترجمه‌شده در زمان قاجار

ردیف	موضوع و نوع بیماری‌ها	تعداد	درصد
۱	بیماری‌های داخلی	۱۰۰	۲۲
۲	طب سنتی	۸۶	۱۹
۳	سایر بیماری‌ها (غیر قابل تشخیص)	۶۰	۱۳
۴	داروشناسی	۴۳	۱۰
۵	تشریح اندام و جراحی	۲۸	۶
۶	بیماری‌های عفونی	۲۳	۵
۷	گیاهان دارویی	۲۲	۵
۸	بیماری‌های آمیزشی	۲۰	۴/۵
۹	زنان و مامایی	۱۴	۳
۱۰	آسیب‌شناسی	۱۲	۳
۱۱	بیماری‌های چشمی	۱۱	۲/۵
۱۲	بیماری‌های کودکان	۹	۲
۱۳	قلب و عروق	۵	۱
۱۴	روانپزشکی	۵	۱
۱۵	بیماری‌های پوستی	۲	۰/۵
۱۶	دندانپزشکی	۲	۰/۵
۱۷	نشانه‌های مرگ	۲	۰/۵
۱۸	اخلاق پزشکی	۱	۰/۲۵
۱۹	بیماری‌های تنفسی	۱	۰/۲۵
جمع		۴۴۶	٪۱۰۰

براساس اطلاعات مندرج در جدول ۲، در دوران قاجار حدوداً ۴۴۶ عنوان کتاب (در قالب

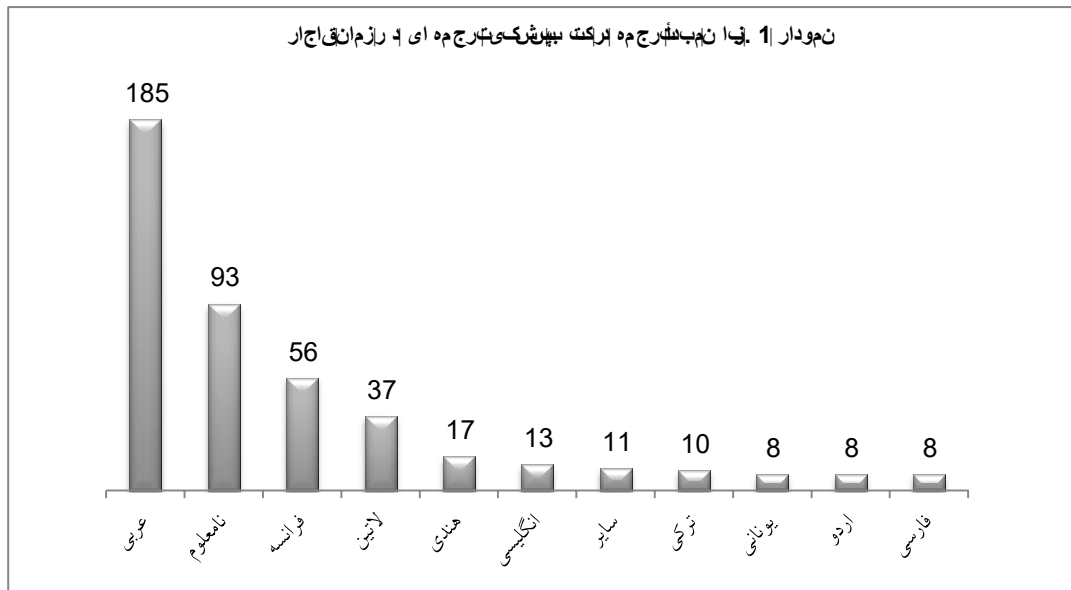
نسخه‌خطی، چاپ‌سنگی و چاپ‌سربی) در ۱۹ موضوع پزشکی ترجمه شده است. در این بین

بررسی ترجمه کتب پزشکی در دوره قاجار . . . ۱۰۹

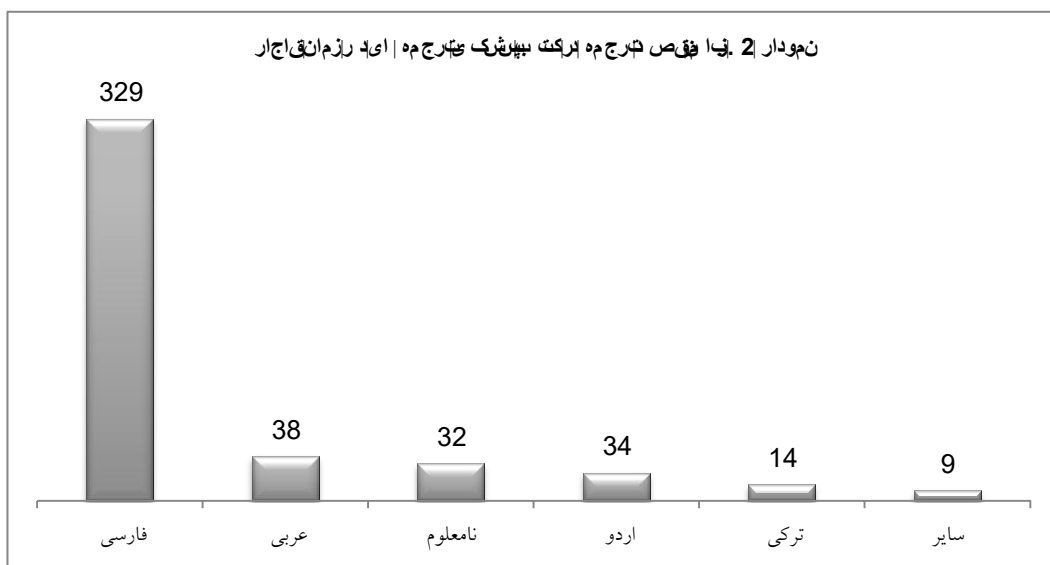
موضوع ۱۰۰ عنوان از آنها (۲۲ درصد) درباره بیماری‌های داخلی است و بترتیب موضوع طب سنتی با ۸۶ عنوان (۱۹ درصد)، داروشناسی ۴۳ عنوان (۱۰ درصد)، تشریح اندام و جراحی ۲۸ عنوان (۶ درصد)، بیماری‌های عفونی ۲۳ عنوان (۵ درصد)، گیاهان دارویی ۲۲ عنوان (۵ درصد)، بیماری‌های آمیزشی ۲۰ عنوان (۴/۵ درصد)، زنان و مامایی ۱۴ عنوان (۳ درصد)، آسیب‌شناسی ۱۲ عنوان (۳ درصد) و بیماری‌های چشمی ۱۱ عنوان (۲/۵ درصد) در رتبه‌های بعدی قرار دارند. در جدول فوق موضوعات و رتبه‌های کتب ترجمه‌ای دیگر نیز مشهود است. شایان ذکر است موضوع خاص ۶۰ عنوان از کتب مذکور قابل تشخیص نبود که این تعداد معادل ۱۳ درصد کل کتابها است.

۹. زبان‌های مبدأ و مقصد متون ترجمه‌شده پزشکی عصر قاجار

در این بخش ابتدا با مراجعه به کتابشناسی‌ها و مراجع و سایت‌های کتابخانه‌های مختلف داخلی و سایت کتابخانه ملی گرجستان نام کتاب‌های ترجمه‌شده به‌دست‌آمده سپس با مراجعه به مشخصات کتابشناختی آنها در کتابخانه‌ها و همچنین بررسی کتب و مقالات در مورد تاریخ ترجمه، اطلاعات کامل‌تری در مورد آنها حاصل شد و از طریق مطالعه مقدمه‌های مترجمان و یا ناشران در صفحه نخست زبان اصلی کتاب‌های ترجمه‌شده معلوم شده است. از طرف دیگر، با توجه به این که در عصر قاجار زبان‌های مختلفی متداول بوده است، زبان‌های مقصد نیز بررسی شده است و اطلاعات به‌دست‌آمده در نمودار ۱ و ۲ مشخص است.



براساس نمودار 1، زبان مبدأ (۱۸۵ عنوان) کتاب‌های ترجمه شده (در قالب نسخه خطی، چاپ‌سنگی و چاپ سری) عربی بوده است که با بررسی موردی کتاب‌ها و اطلاعات کتابخانه‌ای آنها به نظر می‌رسد ماخوذ از طب اسلامی باشد. زبان‌های فرانسه با ۵۶ عنوان، لاتین با ۳۷ عنوان، هندی با ۱۷ عنوان و انگلیسی با ۱۳ عنوان در رتبه‌های بعدی قرار دارند که نشان‌دهنده انتقال دانش پزشکی نوین از غرب است. در کنار اینها زبان‌های ترکی، یونانی، اردو و فارسی نیز به چشم می‌خورد. براساس اطلاعات مندرج در فهرستواره‌های نسخ خطی و برگه‌دان‌ها زبان مبدأ حدود یک پنجم (۹۳ عنوان) کتاب‌های ترجمه شده، نامعلوم است.



بررسی ترجمه کتب پزشکی در دوره قاجار . . . ۱۱۱

براساس نمودار ۲، اکثر کتاب‌های پزشکی (۳۲۹ عنوان، حدود ۷۵ درصد) به زبان فارسی ترجمه شده است. پس از آن بترتیب به زبان‌های عربی با ۳۸ عنوان، اردو با ۲۴ عنوان، ترکی با ۱۴ عنوان و ۱۳ عنوان هم به سایر زبان‌ها ترجمه شده و زبان ترجمه ۳۲ عنوان هم نامعلوم است. (با تحقیق و بررسی در کتابشناسی‌ها و اطلاعات کتابخانه‌ای در مورد زبان ترجمه برخی کتاب‌ها اطلاعات موثقی حاصل نشد).

۱۰. بحث و بررسی

با توجه به داده‌های گردآوری‌شده، در پاسخ به پرسش اول مبنی بر علل و عوامل روی آوردن به ترجمه در انتقال دانش طب جدید به ایران در زمان قاجار، بنظر می‌رسد که علل و حوادثی بصورت زنجیروار منجر به پی‌بردن به اهمیت پزشکی جدید و فراگیری آن شد. انتقال دانش پزشکی از طریق ترجمه متون یکی از طرق واردات علمی است. دلایل روی آوردن به پزشکی جدید از طریق ترجمه عبارت است از:

▪ کارا نبودن طبابت سنت‌گرا در دوران قاجار در مواجهه با امراض خاص و بیماری‌های همه‌گیر: با توجه به این که روش‌های سنتی درمان، مثلا به کارگیری روش‌هایی مانند «داروهای گیاهی، جوشانده‌ها، حجامت و داغ کردن» (ذهابی، شهیدانی، کرمعلی ۱۳۹۸) در درمان همه‌گیری‌هایی مانند وبا کارآیی چندانی نداشت، نیاز به پزشکی جدید احساس می‌شد.

▪ نیاز صاحبان حکومت به پزشکی جدید به دلایل شخصی: به‌عنوان مثال، دکتر پولاک پزشک مخصوص ناصرالدین‌شاه که کتاب *تشریح بدن انسان* از اوست.

▪ ظهور پزشکی نوین در غرب: معاصر با دوران قاجار، تحولات مهمی در غرب در جریان بود، از جمله در ۱۲۳۳ش. «جان اسنو» انتقال وبا را از طریق آب آشامیدنی ثابت کرد و در ۱۲۲۵ش. «ویلیام مورتون» از بی‌هوشی در جراحی استفاده کرد و در ۱۲۵۷ش. «لویی پاستور» فرضیه میکروبی بیماری‌ها را شرح داد. (یونت، ۱۳۹۹، صص. ۴۲-۵۱).

▪ حضور پزشکان خارجی در ایران: به‌عنوان مثال، دکتر آلبو آلمانی در ۱۲۶۲ش به استخدام

دولت ایران در آمد که به تدریس در دارالفنون هم مشغول بود.

▪ اعزام محصلین به اروپا برای بهبود وضعیت طب در ایران: اعزام محصلین به اروپا، خصوصاً به فرانسه در دوران عباس میرزا آغاز شد. بسیاری از این افراد، پس از فارغ‌التحصیلی به ایران برگشتند و به کارهای مختلف از جمله ترجمه کتاب دست زدند. به‌عنوان مثال میرزا رضا دکتر و دکتر معتمد الاطبا و محمدخان کرمانشاهی از افرادی هستند که پس مراجعت به ایران، به تدریس در دارالفنون و همچنین ترجمه چندین جلد کتاب پزشکی اقدام کردند.

▪ تأسیس دارالفنون، بالاخص شعبه پزشکی آن و استخدام معلمین خارجی که جامعه علمی را به همگامی با فناوری‌های رایج در کشورهای مدرن، سوق داد. بعنوان مثال، دکتر پولاک که علاوه بر ترجمه علم تشریح را هم تدریس می‌کرد.

در پاسخ به دومین سوال تحقیق با بررسی کتب ترجمه‌شده در حوزه علم پزشکی، معلوم شد عمده بسامد موضوعی آنها به ترتیب درباره بیماری‌های داخلی، طب سنتی، داروشناسی، تشریح اندام و جراحی، بیماری‌های عفونی، گیاهان دارویی، بیماری‌های آمیزشی، زنان و مامایی، آسیب‌شناسی و چشم‌پزشکی بوده است.

سومین سؤال تحقیق، مربوط به زبان‌های مبدأ و مقصد متون ترجمه‌شده است که اطلاعات آماری نشان می‌دهد که زبان مبدأ آنها از لحاظ کمیت بترتیب عربی، فرانسوی، لاتین، هندی و انگلیسی؛ و زبان مقصد ترجمه به‌ترتیب فارسی، عربی، اردو و ترکی بوده است.

۱۱. نتیجه‌گیری

سلامت عمومی جامعه در عصر قاجار وضعیت چندان مطلوبی نداشته‌است و پزشکان عمدتاً با روش‌های درمانی سنتی به معاینه و درمان بیماران مشغول بودند. تجددگرایی و به تبع آن واردات علم و دانش نوین منجر به تأسیس مراکز علمی مثل دارالفنون و حتی راه‌اندازی شعبه پزشکی در آن و اعزام دانشجویان به خارج و به‌کارگیری استادان خارجی شد. مجموع این عوامل باعث شد که انتقال دانش در دوران قاجار، از منظر ترجمه اهمیت زیادی پیدا کند. در بین این

بررسی ترجمه کتب پزشکی در دوره قاجار . . . ۱۱۳

عوامل، اعزام محصلین به اروپا و تأسیس دارالفنون نقش برجسته‌تری دارند. با ظهور تغییرات عمیق در آموزش پزشکی در دارالفنون و دیگر مدارس پزشکی، بسیاری از متون اروپایی به فارسی، عربی، ترکی و زبان‌های دیگر ترجمه شد و برای بهره‌گیری و تدریس در اختیار اساتید و پزشکان قرار گرفت.

در تحلیل یافته‌های این پژوهش میتوان چنین استدلال کرد که از آنجا که زبان عربی در زمان قبل و اوایل قاجار متداول بوده است و بیشتر کتاب‌های پزشکی خصوصاً طب سنتی به زبان عربی نوشته شده بود لذا بیشترین تعداد ترجمه از زبان عربی بوده است و در مرحله بعد فرانسوی، به این علت که فرستادگان کشورهای اروپایی خصوصاً فرانسه بیش از گذشته به ایران رفت و آمد داشتند. همچنین فرستادن محصلان به اروپا برای تحصیل بیشتر به کشور فرانسه صورت گرفت لذا عمدتاً کتب پزشکی فرانسوی، در زمان قاجار ترجمه شد. در مورد زبان مقصد ترجمه، یافته‌های پژوهش مبین این است که در دوران قاجار در کنار زبان فارسی بعضی از مراکز علمی به زبان‌های عربی تدریس می‌کردند لذا بنظر می‌رسد کتب پزشکی بعد از زبان فارسی به زبان عربی هم ترجمه شده است.

بنابراین براساس اطلاعات و داده‌های این پژوهش بنظر می‌رسد ترجمه کتب پزشکی یکی از راه‌های سریع انتقال دانش پزشکی نوین به ایران بوده است و نقش بسزایی در مدرن‌سازی علم پزشکی در ایران در این عصر داشته است.

منابع:

آبراهامیان، یرواند، (۱۳۷۷). *ایران بین دو انقلاب: درآمدی بر جامعه‌شناسی ایران معاصر*، ترجمه احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی ولی‌لایی، تهران.

آدمیت، فریدون (۱۳۵۴). *امیرکبیر و ایران*، تهران.

آذرنگ، عبدالحسین، (۱۳۹۴). *تاریخ ترجمه در ایران از دوران باستان تا پایان عصر قاجار*، انتشارات ققنوس.

ابن‌ندیم (۱۳۵۰). *کتاب الفهرست*، چاپ محمدرضا تجدد، تهران.

اقبال آشتیانی، عباس [بی. تا.]. *تاریخ تمدن جدید، قسمت ۲: تاریخ تمدن جدید در ایران*، [بی. تا.].

الگود، سیریل لوید (۱۳۸۷). *تاریخ پزشکی ایران و سرزمین‌های خلافت شرقی*، مترجم، باهر فرقانی، مؤسسه انتشارات امیرکبیر.

انوار، عبدا. (۱۳۵۸)، *فهرست نسخ خطی کتابخانه ملی*، جلد ۳، تهران.

بابازاده، شهلا (۱۳۷۸). *تاریخ چاپ در ایران*، تهران.

جان احمدی، فاطمه (۱۳۷۹). *نهضت ترجمه؛ نتایج و پی‌آمدهای آن، مجله تاریخ اسلام*، شماره ۴.

حاتمی، زهرا (۱۳۹۲). *راه‌های عامیانه پیشگیری و درمان وبا، طب سنتی اسلام و ایران*، جلد ۴ شماره ۲.

دانش پژوه، محمدتقی (۱۳۶۰). *نخستین کتابهای فلسفه و علوم جدید در ایران، نشر دانش*، سال ۲، ش. ۲.

دانشنامه جهان اسلام (۱۳۷۹). جلد ۵، *مدخل پزشکی*، تهران: بنیاد لیره‌المعارف اسلامی.

دانشنامه جهان اسلام (۱۳۸۲). جلد ۷، *مدخل ترجمه*، تهران: بنیاد لیره‌المعارف اسلامی.

ذهابی، مجتبی؛ شهیدانی، شهاب، کرمعلی، اکرم (۱۳۸۹). *بررسی وضعیت پزشکی ایران عصر قاجار قبل از*

تأسیس دارالفنون، پژوهشنامه تمدن ایرانی، دوره ۱، شماره ۲ (شماره پیاپی ۲)، پاییز و زمستان.

روستایی، محسن (۱۳۸۲). *تاریخ طب و طبابت در ایران (از عهد قاجار تا پایان عصر رضاشاه) به روایت*

اسناد: شرح حال طبیبان نامدار و ناشناخته ایران، سازمان اسناد ملی ایران.

زندیه، حسن؛ احمدی رهبریان، حسین؛ خان‌احمدی، محمد (۱۳۹۶). *بررسی جایگاه علم طب و طبابت در*

دوره ناصری، پژوهشنامه تاریخ اجتماعی و اقتصادی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی،

سال ششم، شماره اول، بهار و تابستان.

فلور، ویلیام (۱۳۸۷). *سلامت مردم در ایران قاجار*، مترجم، ایرج نبی‌پور، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات

بهداشتی درمانی بوشهر.

کیان‌فر، جمشید (۱۳۷۵). *ترجمه: گذرگاه انتقال فرهنگ غرب به ایران* در کتاب *رویارویی فرهنگی ایران*

و غرب در دوره معاصر، تهران: سروش.

محقق، مهدی (۱۳۶۹). *گذری بر کتابشناسی پزشکی اسلامی، کتابداری*، دفتر ۱۶.

منزوی (۱۳۸۱). *فهرستواره کتابهای فارسی (جلد ۵)*، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

ناطق، هما (۱۹۸۸). *ایران در راه‌یابی فرهنگی: ۱۸۴۸-۱۸۳۴*، لندن.

یونت، لیزا (۱۳۹۹). *تاریخ پزشکی*، مترجم، رضا یاسایی، ققنوس.

Pym, A. (1992). Shortcomings in the historiography of translation, 34(4) Bable.

Pym, A. (1998). *Method in Translation History*. Routledge.

A Historical Account of Medical Translation in Qajar Era¹

_____ Mojgan Ghaffari² & Afsaneh Mohammadi Shahrokh³

Abstract

The purpose of this study was to investigate the history of medical translation in Qajar era. In order to carry out this research, data was collected from the available bibliographies or other sources, and after extracting the titles of related books, each book was checked in the libraries or on the Internet. The gathered data was analyzed based on Pym's (1998) model. The findings of this study showed that in the early years of Qajar era, traditional medicine was commonly practiced but under the influence of modernization movements, traditional medicine gave way to modern methods. Moreover, factors such as the establishment of scientific centers, especially Dar-al-fonūn, sending students abroad and employing foreign professors played a role in institutionalization of modern medicine. Translation played an important part in dissemination of new medical knowledge. The collected data revealed that during Qajar era about 446 medical books were translated, primarily from Arabic and then French, Latin, Indian and English, under 19 medical subjects. Thematic review of these books showed that the field of internal medicine with 100 titles had the highest frequency, followed by traditional medicine with 86 titles, pharmacology, anatomy and surgery, infectious illnesses, medicinal plants, sexually transmitted diseases, obstetrics and gynaecology and finally pathology and ophthalmology. In addition, Persian was the primary target language for translation, followed by Arabic, Urdu, and Turkish.

Keywords: Medical books, medical science, Qajar era, translation

1. This paper was received on 30.03.2022 and approved on 22.05.2022.

2. M.A. Student, Islamic Azad University, science & research branch, Tehran, Iran; email: Mozhgan.ghafari@yahoo.com

3. Corresponding Author: Assistant Professor, Islamic Azad University, Science & Research Branch, Tehran, Iran; email: af.shahrokh@gmail.com